



بررسی تاثیر نمره حاکمیت شرکتی بر رابطه بین متغیر بنیادی حسابداری و بازده سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

گیتی اعظم شاهوردی^۱

مریی موسسه آموزش عالی ارشاد دماوند

نفیسسه آشنا^۲ ©

کارشناس ارشد حسابداری موسسه آموزش عالی ارشاد دماوند

(تاریخ دریافت: ۲۹ آذر ۱۳۹۵؛ تاریخ پذیرش: ۳۰ فروردین ۱۳۹۶)

یکی از اهداف اصلی حسابداری تهیه اطلاعات برای استفاده در تصمیمات سرمایه گذاری است. کشف ارزش اطلاعات مالی، یکی از محورهای مهم مطالعات تجربی در حوزه دانش مالی و حسابداری است. بررسی و مطالعه اطلاعات مالی در دو طبقه کلی مطالعات همبستگی و پیش بینی انجام می شود. در روش اول، بر اساس پذیرش فرضیه کارایی بازار، قیمت سهام را یکی از معیارهای اصلی ارزش مؤسسات در نظر می گیرند. بر اساس این رویکرد، وجود همبستگی آماری بین داده های حسابداری و قیمت سهام یا بازده، به این معنی است که اطلاعات حسابداری تلخیص کننده رویدادهای کارا و اطلاعات مربوط به قیمت سهام است، بنابراین می تواند در بردارنده ارزشی نزدیک به ارزش بازار باشد. در این تحقیق به بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی بر رابطه بین متغیر بنیادی حسابداری و بازده سهام طی سال ۱۳۸۶-۱۳۹۳ پرداخته شده است. نتایج فرضیه اول مبتنی بر اینکه حاکمیت شرکتی رابطه بین تجزیه و تحلیل های بنیادی و بازده سهام را تعدیل کند، پذیرفته می شود.

واژه‌های کلیدی: حاکمیت شرکتی، متغیر بنیادی حسابداری، بازده سهام.

¹ gityshahverdi@yahoo.com

² n_ashenah@yahoo.com

مقدمه

بازده سهام یکی از مفاهیم پیچیده است که مورد علاقه سرمایه گذاران و تصمیم گیرندگان می باشد. برای تبیین و پیش بینی بازده سهام مدل‌ها و نظریه‌های مختلفی شامل مدل قیمت گذاری دارایی‌های سرمایه‌ای، مدل‌های عاملی یا شاخصی، مدل آربیتراژ، تحلیل‌های فنی و تحلیل‌های بنیادی مطرح شده است. به طور کلی دو نگاه تحلیلی در بازار سرمایه حاکم است که شامل تحلیل تکنیکی و تحلیل بنیادی می باشد. تحلیل بنیادی در اصطلاح علم مدیریت به تحلیلی گفته می شود که با ارزیابی اطلاعات موجود در صورت‌های مالی، گزارش‌های مربوط به صنعت و متغیرهای کلان اقتصادی و با بررسی چشم انداز فعالیت‌های شرکت به تفسیر ارزش واقعی سهام و بازده آن می پردازد. در تحلیل بنیادی، بازده سهام تابعی از متغیرهای کلان اقتصادی، وضعیت صنعت و شرایط خاص شرکت می باشد. متغیرهای کلان شامل نرخ تورم، نرخ بهره، نرخ رشد تولید ناخالص داخلی، و نرخ ارز و سیاست‌های دولت می باشد. متغیرهای صنعت شامل نرخ رشد صنعت و شرایط رقابتی می باشد. شرایط خاص شرکت یا متغیرهای مربوط به شرکت شامل مدیریت، ریسک تجاری، ریسک مالی و نظایر آن می باشد که نمود آنها در عملکرد و وضعیت مالی است که در قالب صورت‌های مالی اساسی ارائه می گردد. در واقع تحلیل گران بنیادی به دنبال آن هستند که تغییرات قیمت سهام را با بررسی عوامل تأثیر گذار بر روی قیمت سهم پیش بینی نمایند.

پاپاداکا و والکر^۱ (۱۹۹۶) نتیجه گرفته اند که متغیرهای دریافتی در تجزیه و تحلیل‌های بنیادی با توجه به داده‌های حسابداری با بازده غیر عادی اوراق بهادار مرتبط است [۳]. مطالعات داخلی صورت گرفته توسط پورحیدری و عطارد (۱۳۸۷) نیز حاکی از تأثیر متغیرهای بنیادی بر بازده سهام می باشد. از آنجا که تحلیلگران بنیادی شامل سرمایه گذاران و سایر ذینفعان، تمام توجه خود را به گزارش‌های مالی معطوف می کنند تا بتوانند به وسیله آنها شرایط موجود را مورد بررسی دقیق قرار دهند و تصمیمات مناسب تری بگیرند، لذا اهمیت کیفیت گزارش‌های مالی و گزارش دهی مطلوب اطلاعات مالی بیشتر مشخص می شود. در واقع تحلیل‌های بنیادی زمانی سودمند است که اطلاعات در دسترس تحلیل گران برای ارزیابی و تحلیل مربوط، قابل اتکا و بموقع باشد. یکی از عناصری که بر کیفیت اطلاعات تأثیر قابل توجهی می تواند داشته باشد عناصر حاکمیت شرکتی می باشد [۱].

حاکمیت شرکتی شامل بحث ساختار مالکیت، مدیریت و نظارت می باشد. این سه بعد از دیدگاه نظری می تواند تأثیر قابل توجهی بر کیفیت گزارشگری مالی و در نتیجه صحت متغیرهای بنیادی داشته باشد. در واقع نظام حاکمیت شرکتی باعث می شود که کیفیت اطلاعات مالی افزایش یافته و تحلیلگران مالی بتوانند تحلیل‌های بنیادی دقیق تری در زمینه مباحث مالی شرکتها و از جمله بازده سهام داشته باشند. در واقع حاکمیت شرکتی می تواند متغیرهای مربوط به شرکت را تحت تأثیر قرار دهد. حاکمیت شرکتی قوی تر منجر به متغیرهای شرکتی قوی تر خواهد گردید و بالعکس حاکمیت شرکتی ضعیف تر

منجر به متغیرهای شرکتی نامعتبرتری گردد و ارتباط متغیرهای بنیادی با بازده سهام را کاهش می دهد.

این تحقیق در پی پاسخ به این پرسش است که، آیا حاکمیت شرکتی می تواند بر رابطه بین تجزیه و تحلیل های بنیادی و بازده سهام تاثیر بگذارد؟ بر خلاف پژوهشهای قبلی که تاثیر سیگنالهای بنیادی را بر روی بازده سهام ثابت در نظر گرفته بودند سعی شده این رابطه را از منظر وضعیت حاکمیت شرکتی مورد بررسی و ارزیابی قرار دهد.

۲- پیشینه تحقیق

۲-۱- پژوهش های داخلی

پورحیدری و عطارد (۱۳۸۷) در پژوهشی به بررسی ارتباط تحلیل های بنیادی با بازده غیرعادی سهام در بورس اوراق بهادار تهران بین سالهای ۱۳۷۹ تا پایان ۱۳۸۳ پرداختند. سیگنال های بنیادی مورد بررسی با توجه به داده های حسابداری و مالی شامل موجودی کالا، حساب های دریافتی، مخارج سرمایه ای، حاشیه سود ناخالص، بهره وری نیروی کار، هزینه های اداری و فروش، نرخ موثر مالیات، کیفیت حسابداری و هزینه های مالی بود. این مطالعه همچنین به بررسی عکس العمل سهامداران نسبت به تغییر هر کدام از سیگنالهای بنیادی در شرایط مختلف اقتصادی پرداخته است. به منظور آزمون فرضیه ها، از رگرسیون چند متغیره با استفاده از داده های مقطعی استفاده شده است. نتایج حاصل از این تحقیق بیانگر آن است که سیگنال های بنیادی، اطلاعات قابل توجهی درباره بازده های آتی ارائه نمی دهند. این یافته با مبانی زیربنایی تحلیل های بنیادی راجع به پیش بینی سود سازگار نیست. نتایج این تحقیق همچنین نشان داد که عکس العمل سرمایه گذاران نسبت به تغییر اغلب سیگنال های بنیادی در شرایط مختلف اقتصادی تا حدی متفاوت است [۱].

حنیفی وهمکاران (۱۳۹۲) در پژوهش خود با بیان اینکه پیش بینی قیمت سهام و استراتژی مناسب برای معامله سهام، موضوع بسیاری از تحقیقات است، از جمله مباحث مورد توجه در این حوزه، تحلیل بنیادی می باشند. این پژوهش توان توضیح دهندگی برخی متغیرهای بنیادی را مورد بررسی قرار می دهد. دوره مورد بررسی از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹ می باشد که در مجموع ۵۱ شرکت پذیرفته شده در بورس انتخاب شده اند کلیه داده ها به صورت فصلی و سالانه مورد بررسی قرار گرفتند و از متدولوژی داده های ترکیبی رابطه بین متغیرها ارزیابی و آزمون شده اند. نتایج این تحقیق نشان می دهد که بین متغیرهای بنیادی در این پژوهش که عبارتند از سود هر سهم، سود پیش بینی شده هر سهم، بازده حقوق صاحبان سهام و ارزش دفتری که به جز بازده حقوق صاحبان سهام در داده های فصلی کلیه متغیرها با قیمت سهم رابطه مثبت معنی داری دارند و کلیه متغیرها قدرت توضیح دهندگی بالای ۹۰ درصد برای قیمت سهم داشتند. همچنین مشاهده شد مدل رگرسیونی حاصل از متغیرهای بنیادی بصورت سالانه قدرت توضیح دهندگی بالاتری نسبت به داده های فصلی دارند که نشان دهنده نگاه بلند مدت تحلیل بنیادی می باشد [۳].

۲-۲-۲- پژوهش های خارجی

آباربانل و بوشی (۱۹۹۷) کاربرد تجزیه و تحلیل بنیادی در تبیین بازده غیر عادی با اهمیت را مورد بررسی قرار دادند. بدین منظور ابتدا تغییرات همزمان مجموعه ای از علائم متغیرهای بنیادی طبق تحلیل لو و تیاگاراگان که در تجزیه و تحلیل بنیادی به طور متداول به کار می روند انتخاب کردند. این علائم عبارت بودند از: موجودی کالا، حسابهای دریافتی، سود ناخالص، هزینه های فروش و اداری، هزینه های سرمایه گذاری، نرخ های مالیات موثر، روش های ارزشیابی موجودی ها، نظریه حسابرسی و بهره وری نیروی کار بر اساس فروش [۴].

چاریتو^۱ و همکاران (۲۰۰۰) تحقیقی در ژاپن تحت عنوان مربوط بودن ارزش سودها و گردش وجوه نقد انجام دادند نتایج تحقیق نشان می دادند که سودها و گردش وجوه نقد هر دو در پیش بینی سود سودهای آتی موثرند. نمونه های تحقیق شامل ۵۲۹ شرکت برای ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۴ بود و روش آماری آن ها نیز رگرسیون چندگانه بود [۵].

گارود و ریس^۲ (۲۰۰۵) شش متغیر حقوق صاحبان سهام، سودخالص، گردش وجه نقد عملیاتی، سه نوع از متغیرهای اقلام تعهدی، سودهای تقسیمی و قیمت سهام را به عنوان متغیرهای بنیادی برای پیش بینی تغییرات در سود آتی مورد آزمون قرار دادند. نتایج مقدماتی حاکی از آن است که جریان وجه نقد عملیاتی و اقلام تعهدی اگر با سود خالص ترکیب شوند، دارای قدرت پیش بینی افزایشی می باشند. در واقع دو متغیر یاد شده، دو متغیر توضیحی اضافه شده در سال ۲۰۰۵ است که طبق نتایج مقدماتی با رشد سود سال آتی ارتباط دارند [۶].

۳- روش شناسی تحقیق

۳-۱- روش پژوهش

پژوهش های علمی را می توان بر اساس هدف به سه دسته پژوهش های بنیادی، کاربردی و توسعه ای تقسیم نمود. همچنین در طبقه بندی بر مبنای روش، پژوهشات به تاریخی، توصیفی، همبستگی و تجربی و علی تقسیم می گردند. روش موردنظر برای انجام این پژوهش علی و از نوع پس رویدادی (با استفاده از اطلاعات گذشته)، در حوزه پژوهش های اثباتی حسابداری و مبتنی بر اطلاعات واقعی است. این پژوهش به دنبال کشف و بررسی روابط بین عوامل و شرایط خاص یا نوع رویدادی که قبلاً وجود داشته یا رخ داده، از طریق مطالعه نتایج حاصل از آن ها است. به عبارت دیگر پژوهشگر در پی بررسی امکان وجود روابط علت و معلولی از طریق مشاهده نتایج موجود و زمینه قبلی آن ها به امید یافتن علت وقوع پدیده هاست.

². Charitou

². Garrod & Rees

۳-۲- جامعه و نمونه آماری

نمونه این پژوهش بر اساس معیارهای زیر گزینش شده است:

۱. اطلاعات کامل صورت‌های مالی شرکت‌ها و یادداشت‌های همراه آن، برای هر یک از شرکت‌های مورد مطالعه طی یک سال قبل از قلمرو زمانی پژوهش در دسترس باشد.
۲. شرکت‌ها در طول دوره‌ی پژوهش تغییر سال مالی نداده باشند.
۳. نوع فعالیت شرکت، واسطه‌گری مالی نباشند. دلیل حذف شرکت‌های فعال در صنعت واسطه‌گری مالی این است که ماهیت فعالیت این‌گونه شرکت‌ها تفاوت قابل ملاحظه‌ای با سایر شرکت‌ها دارد.
۴. به منظور افزایش قابلیت مقایسه، پایان سال مالی شرکت‌های مورد مطالعه ۲۹ اسفندماه باشد. با توجه به شرایط فوق تعداد ۸۷ شرکت به عنوان نمونه انتخاب گردیده است.

۳-۳- فرضیه‌های پژوهش

فرضیه: حاکمیت شرکتی بر رابطه بین تجزیه و تحلیل‌های بنیادی و بازده سهام تاثیر دارد

۳-۴- تعریف متغیرهای مورد استفاده در پژوهش**۳-۴-۱- متغیر وابسته**

الف) متغیر وابسته: نرخ بازده (R_{it}):

از همه فرمولهای ذکر شده می توان بازده کل سهام را نسبت به اولین قیمت و آخرین قیمت به ترتیب فرمول زیر ارائه کرد:

بازده کل نسبت

مزایای سهام - مزایای حق تقدم سود نقدی ناخالص هر سهم + تفاوت قیمتی سهم به آخرین قیمت

سهام در پایان

(ابتدای سال مالی)

(اولین قیمت سهم)

اگر در مخرج کسر قیمت ابتدای سال مالی را قرار دهیم، بازده کل سال جاری بدست می آید. اما اگر قیمت پایان دوره را قرار دهیم فرض بر این است که در سال آتی نیز همین مزایا برای این سهم متصور است و در واقع یک نوع پیش بینی از بازده آتی سهام فوق می باشد.

۳-۴-۲- متغیرهای مستقل

تغییرات سود ناخالص (GM_{it}): محاسبه تغییرات سودآوری بر اساس سودآوری سال جاری منهای سودآوری سال قبل تقسیم بر سودآوری سال قبل انجام شده است.

تغییرات موجودی کالا (inv_{it}): محاسبه تغییرات موجودی کالا بر اساس موجودی کالای سال جاری منهای موجودی کالای سال قبل تقسیم بر موجودی کالای سال قبل انجام شده است.

تغییرات حساب‌های دریافتنی (AR_{it}): محاسبه تغییرات حساب‌های دریافتنی بر اساس حساب‌های دریافتنی سال جاری منهای حساب‌های دریافتنی سال قبل تقسیم بر حساب‌های دریافتنی سال قبل انجام شده است.

کیفیت حسابرسی ($audit_{it}$): برای محاسبه کیفیت حسابرسی از متغیر مصنوعی استفاده می‌شود بدین صورت که اگر گزارش حسابرس مقبول باشد عدد ۱ و در غیر اینصورت عدد صفر می‌گیرد. تغییرات دارایی‌های ثابت ($Fasset_{it}$): محاسبه تغییرات دارایی‌های ثابت بر اساس دارایی‌های ثابت سال جاری منهای دارایی‌های ثابت سال قبل تقسیم بر دارایی‌های ثابت سال قبل انجام شده است.

۳-۴-۳- متغیر کنترلی

اندازه شرکت ($Size_{it}$): اندازه شرکت نمایانگر برتری رقابتی است. از آنجایی که سهم بیشتر از بازار نیاز به تولید و فروش بیشتر دارد لذا داشتن منابع مالی کافی و اندازه بزرگتر می‌تواند شرکت را در تولید بیشتر و صرف هزینه‌های تولید و بازاریابی بیشتر یاری کند تا بتواند مزیت‌های رقابتی ایجاد نماید. از نسبت لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌ها محاسبه می‌گردد.

لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌ها = $Size_{it}$

عمر شرکت (age_{it}): براساس سال تاسیس شرکت تا سال بررسی تحقیق محاسبه می‌گردد.

رشد شرکت ($growth_{it}$): براساس افزایش رشد فروش شرکت محاسبه می‌گردد.

۳-۴-۴- متغیر تعدیل‌گر

نمره حاکمیت شرکتی

برای محاسبه نمره حاکمیت شرکتی هر شرکت ابتدا رتبه حاکمیتی شرکتی تمام شرکت‌ها و سپس میانگین رتبه کل محاسبه می‌شود. چنانچه رتبه حاکمیت شرکتی، شرکت i در سال t بیشتر از میانگین کل شرکت‌ها باشد نمره یک و در غیراین صورت نمره صفر می‌گیرند. برای اندازه‌گیری رتبه حاکمیت شرکتی، شرکت‌های مورد مطالعه ابتدا ۱۲ مؤلفه (با ضریب یکسان) بر مبنای ۴ شاخص (با ضریب یکسان) برای حاکمیت شرکتی به شرح جدول زیر مشخص و سپس با توجه به تعریف هر یک از مؤلفه‌ها به هر کدام از شرکت‌های مورد مطالعه نمره یک و صفر داده شد. انتخاب این مؤلفه‌ها بر اساس جمع بندی تحقیقات انجام شده در این زمینه بوده است.

جدول (۱-۳) متغیرهای حاکمیت شرکتی

نام عامل	علامت	تعریف عملیاتی	محل استخراج
اتریشی هیئت مدیره	BOARD	استفاده از اعضای غیر موظف در هیئت مدیره	صورت جلسات مجامع عمومی
		جدا کردن نقش مدیرعامل از رئیس هیئت مدیره	ترکیب اعضای هیئت مدیره شرکت
		ثبات مدیر عامل	صورت جلسات مجامع عمومی
ساختار حاکمیتی	GOV	چرخش شرکای موسسه حسابرسی	گزارش حسابرس
		بودن واحد حسابرسی داخلی	سایت رسمی بورس اوراق بهادار
		نوع حسابرس	گزارش حسابرس
اثرات مالکیت	OW	تمرکز مالکیت	آخرین اطلاعیه سازمان بورس اوراق بهادار
		سهام دارای نهادی	ترکیب سهامداران
شفافیت	DSI	معامله با اشخاص وابسته	یادداشت‌های توضیحی صورت‌های مالی
		توان اتکا (تعدیلات سنواتی)	گردش حساب سود انباشته
		توان اتکا (اظهار نظر حسابرسی)	گزارش حسابرس
		بودن وب سایت اینترنت	در پایان گزارش سالیانه مجمع به سازمان بورس یا جستجو در اینترنت

۳-۵- روش‌ها و ابزار تجزیه و تحلیل داده‌ها

پس از آنکه محقق داده‌ها را گردآوری، استخراج و طبقه‌بندی نمود و جداول توزیع فراوانی و نسبت‌های توزیع را تهیه کرد، باید مرحله جدیدی از فرآیند پژوهش که به مرحله تجزیه و تحلیل داده‌ها معروف است، آغاز شود. این مرحله در پژوهش، اهمیت زیادی دارد زیرا نشان‌دهنده تلاش و زحمات فراوان گذشته است. در این مرحله، محقق با استفاده از روش‌های مختلف سعی می‌کند اطلاعات و داده‌ها را در جهت آزمون فرضیه و ارزیابی آن مورد بررسی قرار دهد. در مرحله تجزیه و تحلیل آنچه مهم است این است که محقق اطلاعات و داده‌ها را در مسیر هدف پژوهش، پاسخگویی به سؤالات پژوهش و ارزیابی فرضیه‌های خود مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. به‌طور کلی در تجزیه و تحلیل داده‌ها، یک بعد کمی وجود دارد که آن محاسبات آماری خاص است و یک بعد کیفی که آن تحلیل‌ها، استدلال‌ها و استنتاج‌ها است (حافظ نیا، ۱۳۸۷: ۱۶۹). برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از روش‌های آماری توصیفی و استنباطی استفاده شده است. تمامی تحلیل‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای Stata انجام گرفتند.

۳-۶- روش گردآوری اطلاعات

گردآوری اطلاعات به روش آرشیوی صورت خواهد گرفت. بدین ترتیب که در بخش اول، تحقیقات انجام گرفته در زمینه موضوع تحقیق از کتب، مقالات معتبر و مجلات علمی و پژوهشی، پایان‌نامه‌های دانشجویی و سایت‌های اینترنتی معتبر گردآوری و مورد مطالعه قرار گرفته است. در بخش دوم نیز برای جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز جهت انجام تحقیق، از سایت‌های رسمی سازمان بورس اوراق بهادار تهران، بانک‌های اطلاعاتی از قبیل نرم‌افزار ره‌آورد نوین، سایت‌های *irbourese*، کدال، ایران تحلیل، *rids* و دیگر سایت‌های معتبر استفاده خواهد شد که این بخش بصورت آرشیوی انجام گرفته است.

۴- یافته‌های تحقیق

۴-۱- آمار توصیفی^۴ پژوهش

نگاره ۱ شامل آمار توصیفی برای همه متغیرهای به‌کاررفته در تحقیق است. تعداد مشاهدات معتبر و درست برای هر متغیر ۸ سال می‌باشد. داده‌های موردنظر برای ۸۷ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است مهیا بود که در این تحقیق دوره‌های زمانی ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۳ را در بر گرفته است.

^۴Descriptive Statistics

نگاره ۱ آماره‌های توصیفی

تعداد مشاهدات	کشیدگی	چولگی	میانگین	بزرگترین	کوچکترین	انحراف معیار	علامت اختصاصی	متغیر پژوهش
۶۹۶	-۰/۳۷	۱/۲۱	0/496	1	0	0/41	audit	کیفیت حسابرسی
۶۹۶	-۰/۱۶۵	-۰/۰۷۸	0/365	0/715	0/106	0/319	GM	تغییرات سود ناخالص
۶۹۶	۰/۰۸۶	۲/۵۴	0/279	0/927	0/027	0/429	INV	تغییرات موجودی
۶۹۶	۲/۰۱	-۰/۳۴	0/469	0/855	0/0921	0/294	AR	تغییرات حساب دریافتی
۶۹۶	۱/۷۹	۱/۰۴	0/228	0/719	0/094	0/419	FIX ASSET	تغییرات دارایی ثابت
۶۹۶	۰/۰۹۳	۰/۵۳	0/224	0/529	0/0173	0/261	R	بازده سهام
۶۹۶	-۰/۰۹	-۰/۰۴۸	0/498	1	0	0/406	CG	نمره حاکمیت شرکتی
۶۹۶	-۱/۱۹	-۱/۲۸	11/796	13/231	10/190	0/548	size	اندازه شرکت
۶۹۶	۰/۰۷۱	۱/۱۶	0/367	0/793	0/104	0/408	growth	رشد شرکت
۶۹۶	۰/۲۲	-۰/۵۹	34/707	61	9	12/427	age	سن شرکت

۴-۲- آزمون نرمال^۱ بودن و هم خطی

برای انتخاب آزمون درست، برای تحلیل فرضیه‌ها، ابتدا باید توزیع آماری متغیری که مورد آزمون قرار می‌گیرد، اطمینان حاصل کرد. برای نمونه، پیش‌نیاز گرفتن آزمون‌های پارامتری، نرمال بودن توزیع آماری متغیرهاست. با توجه به نتایج مشخص گردید که داده‌های تحقیق دارای توزیع نرمال می‌باشند. هم خطی دراصل به معنای وجودارتباط خطی کامل یا دقیق بین همه یا بعضی ازمتغیرهای توضیحی مدل رگرسیون می‌باشد. این آزمون تنها ارتباط خطی بین متغیرها را شامل می‌شود و ارتباط غیرخطی آنها را در برنمی‌گیرد. با توجه به نتایج مشخص گردید که داده‌های تحقیق دارای هم خطی نمی‌باشند.

⁵.Normal test

۳-۴- آزمون های تشخیصی در داده های ترکیبی

الف) آزمون چاو

نگاره ۲ بیانگر نتایج آزمون چاو است. نتایج حاصل از این آزمون که در جدول زیر آورده شده است، بیانگر رد فرضیه صفر و لزوم استفاده از روش اثرات ثابت برای این گروه از شرکت ها می باشد.

نگاره ۲ آزمون چاو

آزمون مدل	<i>Statistic F-</i>	<i>P-Value</i>	نتیجه آزمون
اول	۱۰/۴۱	۰/۰۰۰	مدل اثرات ثابت

ب) آزمون بروش پاگان^۱

در این مرحله آزمون بروش پاگان [۱۹۸۰] انجام شده است. نتایج حاصل از این آزمون که در جدول ارائه شده است، حاکی از رد فرضیه صفر و لزوم استفاده از روش اثرات تصادفی برای شرکت های مورد بررسی می باشد.

نگاره ۳ آزمون بروش پاوگان

آزمون مدل	<i>Statistic chi-bar</i>	<i>P-Value</i>	نتیجه آزمون
اول	۶۳/۱۷	۰/۰۰۰	مدل اثرات تصادفی

با توجه به اینکه آزمون چاو وجود اثرات ثابت و آزمون بروش پاگان نیز وجود اثرات تصادفی را تایید کردند، به منظور انتخاب از بین روش اثرات ثابت و تصادفی، آزمون هاسمن [۱۹۷۸] اجرا شد. (بالتاجی، ۲۰۰۵).

ج) آزمون هاسمن^۲

نگاره ۴ نتایج آزمون هاسمن را نشان میدهد. همانطور که از نتایج جدول مشهود است، مقدار *P-Value* کم تر از ۵٪ می باشد، بنابراین فرضیه H_0 (مدل اثرات تصادفی) رد می شود. این موضوع به معنی وجود ارتباط بین خطای رگرسیون تخمین زده شده و متغیرهای مستقل است. با توجه به نتایج آزمون های چاو، بروش پاگان و هاسمن مناسب ترین روش برای برآورد پارامترها و آزمون فرضیات، مدل اثرات ثابت است.

نگاره ۴ آزمون هاسمن

آزمون مدل	<i>chi-square Statistic</i>	<i>P-Value</i>	نتیجه آزمون
اول	۱۴/۳۶	۰/۰۰۱	مدل آثار ثابت

^۶Breusch-pagan test

^۷Hausman test

۴-۴- آزمون ناهمسانی واریانس ها و خودهمبستگی

آزمون ناهمسانی واریانس ها و خودهمبستگی برای فرضیه های تحقیق در نگاره ۵ نشان داده شده است. بررسی نتایج حاصل از جدول، نشان می دهد که آزمون فرضیات در سطح معناداری بیشتر از ۵٪ می باشند و فرضیات تحقیق ناهمسانی واریانس ندارند و سطح معناداری آزمون خودهمبستگی برای تمامی فرضیات، بیشتر از ۵٪ می باشد، که نشان می دهد فرضیه های تحقیق، خودهمبستگی ندارند. برای سنجش ناهمسانی واریانس از آزمون والد تعدیل شده و برای خودهمبستگی آزمون والد ریچ استفاده شده است.

نگاره ۵ آزمون ناهمسانی واریانس و خود همبستگی

آزمون فرضیات	آزمون ناهمسانی واریانس		خود همبستگی	
	<i>P-Value</i>	<i>2 Chi</i>	<i>P-Value</i>	<i>F</i>
<i>I</i>	۰/۲۳	۲/۰۶	ندارد	۱/۳۹

۴-۵- فرضیه اول

H_0 : حاکمیت شرکتی بر رابطه بین تجزیه و تحلیل های بنیادی و بازده سهام تاثیر ندارد.
 H_1 : حاکمیت شرکتی بر رابطه بین تجزیه و تحلیل های بنیادی و بازده سهام تاثیر دارد.
 جدول ۶، نتایج آزمون فرضیه اول را نشان می دهد که با توجه به آماره $F [۳۶/۱۴]$ و سطح معناداری $[۰/۰۰۰]$ مؤید معنادار بودن مدل برای آزمون فرضیه است. نتایج آزمون والد ریچ نیز نشان دهنده عدم وجود خودهمبستگی بین جملات اخلاقی است. ضریب تعیین تعدیل شده $[۰/۵۱]$ می باشد که نشان دهنده قدر توضیح دهندگی متغیر وابسته توسط متغیر مستقل می باشد. متغیرهای بنیادی حسابداری از جمله تغییرات سود ناخالص، تغییرات موجودی کالا، تغییرات حساب های دریافتی، کیفیت حسابداری و تغییرات دارایی ثابت به عنوان متغیر مستقل، بازده سهام به عنوان متغیر وابسته، متغیر حاکمیت شرکتی به عنوان متغیر تعدیل گر و اندازه شرکت، رشد شرکت و عمر شرکت به عنوان متغیر کنترلی در تحقیق شناخته می شوند. متغیر تغییرات سود ناخالص با توجه به سطح معناداری آن در جدول با متغیر بازده سهام رابطه مثبت و مستقیم دارد. بین متغیر تعدیلی حاکمیت شرکتی که از ضرب تغییرات سود ناخالص در حاکمیت شرکتی محاسبه می گردد با بازده سهام دارای ضریب منفی و معکوس می باشد. رابطه فوق نشان از تعدیل کردن رابطه بین تجزیه و تحلیل بنیادی و بازده سهام شرکت توسط متغیر حاکمیت شرکتی می دهد. متغیر تغییرات موجودی با توجه به سطح معناداری آن در جدول با متغیر بازده سهام رابطه مثبت و مستقیم دارد. بین متغیر تعدیلی حاکمیت شرکتی که از ضرب تغییرات موجودی در حاکمیت شرکتی محاسبه می گردد با بازده سهام دارای ضریب منفی و معکوس می باشد. رابطه فوق نشان از تعدیل کردن رابطه بین تجزیه و تحلیل بنیادی و بازده سهام

¹. Adjusted R-squared

شرکت توسط متغیر حاکمیت شرکتی می‌دهد. متغیر تغییرات حساب‌های دریافتنی با توجه به سطح معناداری آن در جدول با متغیر بازده سهام رابطه مثبت و مستقیم دارد. بین متغیر تعدیلی حاکمیت شرکتی که از ضرب تغییرات حساب‌های دریافتنی در حاکمیت شرکتی محاسبه می‌گردد با بازده سهام دارای ضریب منفی و معکوس می‌باشد. رابطه فوق نشان از تعدیل کردن رابطه بین تجزیه و تحلیل بنیادی و بازده سهام شرکت توسط متغیر حاکمیت شرکتی می‌دهد. متغیر کیفیت حسابرسی با توجه به سطح معناداری آن در جدول با متغیر بازده سهام رابطه ندارد. بین متغیر تعدیلی حاکمیت شرکتی که از ضرب کیفیت حسابرسی در حاکمیت شرکتی محاسبه می‌گردد با بازده سهام دارای رابطه نمی‌باشد. رابطه فوق نشان از عدم تعدیل کردن رابطه بین تجزیه و تحلیل بنیادی و بازده سهام شرکت توسط متغیر حاکمیت شرکتی می‌دهد.

متغیر تغییرات دارایی ثابت با توجه به سطح معناداری آن در جدول با متغیر بازده سهام رابطه مثبت و مستقیم دارد. بین متغیر تعدیلی حاکمیت شرکتی که از ضرب تغییرات دارایی ثابت در حاکمیت شرکتی محاسبه می‌گردد با بازده سهام دارای ضریب منفی و معکوس می‌باشد. رابطه فوق نشان از تعدیل کردن رابطه بین تجزیه و تحلیل بنیادی و بازده سهام شرکت توسط متغیر حاکمیت شرکتی می‌دهد. در بین متغیرهای کنترلی اندازه شرکت و عمر شرکت با بازده سهام رابطه دارند و می‌تواند بر روابط بین تجزیه و تحلیل بنیادی و بازده سهام شرکت تأثیر بگذارد. در نتیجه با توجه به نتایج جدول فوق فرضیه اول که مبتنی بر این‌که حاکمیت شرکتی رابطه بین تجزیه و تحلیل‌های بنیادی و بازده سهام را تعدیل کند، پذیرفته می‌شود.

نگاره ۶ نتایج آزمون فرضیه اول

$Rit = +B_1 GM_{it} + B_2 GM*CG_{it} + inv_{it} + B_4 inv*CG_{it} + B_5 AR_{it} + B_6 AR*CG_{it} + B_7 audit_{it} + B_8 audit*CG_{it} + B_9 fasset_{it} + B_{10} fasset *CG_{it} + B_{11} SIZE_{it} + B_{12} growth_{it} + B_{13} age$				
متغیر	علامت اختصاری	ضریب	آماره t	سطح معنی‌داری
عرض از مبدا	C	۰/۴۹۵۱	۲/۱۰۳	۰/۰۳۱
تغییرات سود ناخالص	GM	۰/۱۹۲۳	۲/۹۹	۰/۰۰۷
تغییرات سود ناخالص * حاکمیت شرکتی	$gm*CG$	-۱/۲۳۹	-۳/۴۷۱۲	۰/۰۰۰
تغییرات موجودی	inv	۱/۱۹۴	۲/۱۹۳	۰/۰۲۷
تغییرات موجودی * حاکمیت شرکتی	$inv*CG$	-۴/۶۱۹	-۲/۷۳۵	۰/۰۱۹

$$R_{it} = +B_1 GM_{it} + B_2 GM*CG_{it} + inv_{it} + B_4 inv*CG_{it} + B_5 AR_{it} + B_6 AR*CG_{it} + B_7 audit_{it} + B_8 audit*CG_{it} + B_9 fasset_{it} + B_{10} fasset *CG_{it} + B_{11} SIZE_{it} + B_{12} growth_{it} + B_{13} age$$

متغیر	علامت اختصاری	ضریب	آماره t	سطح معنی داری
تغییرات حساب‌های دریافتی	<i>rec</i>	۰/۲۵۵	۳/۹۴	۰/۰۰۰
تغییرات حساب‌های دریافتی * حاکمیت شرکتی	<i>rec*CG</i>	-۰/۴۱۷	-۳/۰۸۴	۰/۰۰۱۵
کیفیت حسابرسی	<i>audit</i>	۰/۴۹۶	۰/۱۶۷	۰/۸۷۶
کیفیت حسابرسی * حاکمیت شرکتی	<i>audit*CG</i>	-۰/۰۹۸	-۰/۰۱۹	۰/۹۰
تغییرات دارایی ثابت	<i>fasset</i>	۳/۱۷۲	۲/۵۷۲	۰/۰۱۷۸
تغییرات دارایی ثابت * حاکمیت شرکتی	<i>fasset *CG</i>	-۰/۵۸	-۵/۰۴	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	<i>SIZE</i>	-۸/۹۷۸	-۲/۱۸	۰/۰۲۹
رشد شرکت	<i>growth</i>	۰/۳۹۸	۰/۱۹	۰/۸۴۸
عمر شرکت	<i>age</i>	۱/۹۵۶	۲/۰۵	۰/۰۳۸۹
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۵۱	آماره F	۳۶/۱۴
دوربین واتسون		۲/۱۴	سطح معنی داری	۰/۰۰۰

۵- بحث و نتیجه گیری

نتایج حاصل از آزمون فرضیه به شرح زیر می‌باشد:

- ✓ نتایج نشان از تعدیل کردن رابطه بین تجزیه و تحلیل بنیادی و بازده سهام شرکت توسط متغیرهای حاکمیت شرکتی می‌دهد.
- ✓ نتایج نشان از عدم تعدیل کردن رابطه بین تجزیه و تحلیل بنیادی و بازده سهام شرکت توسط اثرات مالکیت (عنصر حاکمیت شرکتی) می‌دهد.
- ✓ نتایج نشان از عدم تعدیل کردن رابطه بین تجزیه و تحلیل بنیادی و بازده سهام شرکت توسط متغیر شفافیت (عنصر حاکمیت شرکتی) می‌دهد.

این نتایج، نتایج پژوهش های قبلی را در زمینه عناصر حاکمیت شرکتی تایید می کنند و بورس تهران کمابیش مانند سایر بورس های جهان عمل می کند.

۶- پیشنهادات پژوهش

۶-۱- پیشنهادات حاصل از تحقیق

۱- با توجه به نتایج فرضیه اول مبنی بر وجود تاثیر حاکمیت شرکتی بر رابطه بین متغیرهای بنیادی و بازده سهام شرکت، به شرکت ها فعال در بورس پیشنهاد می گردد تا با توجه به اینکه سیستم حاکمیت شرکتی در شرکت ها به صورت کامل اجرا نمی شود شرکت با استقرار کامل سیستم حاکمیت شرکتی و بهبود آن باعث افزایش بازده شرکت و در نهایت افزایش ارزش رشد شوند. همچنین به سرمایه گذاران پیشنهاد می گردد برای سرمایه گذاری در بورس عوامل حاکمیت شرکتی را مورد بررسی قرار دهند و در شرکت هایی که عوامل حاکمیت شرکتی به صورت بیشتر مورد استفاده می گردد، سرمایه گذاری کنند

۲- با توجه به تاثیرات مختلف اجزا حاکمیت شرکتی بر رابطه موجود بین متغیرهای بنیادی و بازده سهام شرکت ها باید تاثیرات هر جز را مدنظر قرار داده که باعث افزایش و بهبود عملکرد شرکت گردد.

۶-۲- پیشنهادات برای تحقیقات آتی

این پژوهش را می توان با استفاده از متغیرهای بنیادی بیشتر اجرا کرد.
این پژوهش را می توان با متغیرهای حاکمیت شرکتی بیشتری اجرا کرد.
می توان تاثیر متغیر دیگری را در رابطه بین متغیرهای بنیادی و بازده سهام بررسی کرد.
۴-۵- محدودیتهای پژوهش

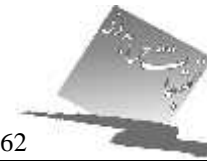
محدودیت های که به عقیده ی محقق این تحقیق با آنها رو به رو بوده است به شرح زیر است:

۱- مهم ترین محدودیت در انجام این پژوهش، تعدد متغیرهای مزاحم است که ممکن است روابط میان متغیرها را تحت تاثیر قرار دهد، از جمله مهم ترین آنها می توان به عوامل کلان اقتصادی نظیر نرخ تورم، نرخ بهره و بی ثباتی سیاسی و اقتصادی کشورمان که بر سرمایه گذاری ها و معاملات بورس تأثیر فراوان دارد، اشاره نمود. البته این موضوع در اغلب پژوهش ها در حوزه علوم انسانی مطرح است.

۲- اعمال مکانیزم هایی، همچون بسته بودن طولانی نماد برخی شرکت ها، قاعده حجم مینا، سهام شناور آزاد، حد نوسان روزانه قیمت که موجب عدم شکل گیری قیمت های پیشنهادی خرید و فروش و حجم عرضه و تقاضای واقعی در بازار اوراق بهادار تهران می گردد.

فهرست منابع

۱. پورحیدری، امید، عطارد، حسن. (۱۳۸۷). "بررسی تحلیلهای بنیادی در بورس اوراق بهادار تهران" پژوهشنامه اقتصادی؛ ۲: ۱۵-۳۹
۲. حافظ نیا، محمدرضا، (۱۳۸۷). مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، انتشارات سمت تهران.
۳. حنیفی، فرهاد، تهرانی، رضا و بحرالعلوم، مهدی، (۱۳۹۲)، "طراحی یک الگوریتم فرا ابتکاری جهت انتخاب پورتفوی بهینه ردیابی کننده شاخص بورس تهران"، مطالعات حسابداری و حسابرسی، انجمن حسابداری ایران، ۴(۱۳): ۱-۳۲
4. Ababanell, S., and Brain J. Bushee., (1997), "Fundamental Analysis, Future Earning and Stock Prices", **Journal of Accounting Research**, Vol. 24, pp: 1-24.
5. Charitou, A. Colin, C. & Andreou, A., (2000), "The value relevance of earnings and cash flows: empirical evidence for Japan", **Journal of International Financial Management & Accounting**, 11(1): 1-22.
6. Garrod, Neil, & Rees, William, (2005), "Forecasting earnings growth using fundamentals: Department of Accounting and Finance", University of Glasgow.



A Study of the Effect of Corporate Governance Score on the Relation between Fundamental Variable of Accounting and Stock Return in Companies Listed on the Tehran Stock Exchange

Giti Azam Shahverdi¹

Instructor of Arshad Damavand Higher Education Institute, Iran

Nafiseh Ashena²©

M.A. of Accounting at Arshad Damavand Higher Education Institute, Iran

(Received: 19 December 2016; Accepted: 19 April 2017)

One of the main purposes of accounting is to provide information for use in investment decisions. The discovery of the value of financial information is one of the most important pillars of empirical studies in the field of finance and accounting knowledge. The analysis and study of financial information are conducted in two general categories of correlative and predicting studies. In the first method, based on the acceptance of market efficiency hypothesis, the stock price is considered as one of the main criteria of the value of institutions. According to this approach, the existence of statistical correlation between accounting data and stock price or return means that accounting information summarizes efficient events and information on stock prices. Therefore, it can contain a value close to the market value. In this study, the effect of corporate governance on the relation between the fundamental variable of accounting and stock return over the period 2007-2014 has been studied. The results of the first hypothesis suggesting the role of corporate governance in adjusting the relation between fundamental analyses and stock return, are accepted.

Keywords: Corporate Governance, Fundamental Variable of Accounting, Stock Return.

¹ gityshahverdi@yahoo.com

² n_ashenah@yahoo.com ©(Corresponding Author)